

بودجه تحقیق و توسعه در دنیا ۴۴۴ برابر ایران

در حالی که حداقل بودجه R&D در دنیا ۴ درصد از درآمد شرکت‌ها را شامل می‌شود، در ایران این رقم ۰/۰۰۹ درصد از بودجه شرکت‌های بزرگ دولتی است



دیگته لیبرال‌ها

کارنامه دولت مهدی بازرگان از بهمن ۵۷ تا آبان ۵۸ را بررسی کرده ایم، ادامه چنین دولتی چه تبعاتی برای کشور داشت؟

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

شماره مسلسل ۳۳۳۸
دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۷
۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۰
۴ فوریه ۲۰۱۹
شماره ۲۷۰۰

۶ صفحه
۶۰۰ تومان

فرهیختگان

چرا نگاه سینمای میانمایه روشنفکری به «جنوب شهر» واقعی نیست؟

انتقام روشنفکری از در خونگاہ

ثبت است بر جریده عالم دوام تو

۱۱ شعر منتشر نشده از «ساجده جبارپور، پیمان طالبی، شایان مصلح، جواد محمدزمانی، احمدیابایی، حسین صیامی، فاطمه افشاریان، حسین دهلوی، سمانه خلفزاده، نفیسه‌سادات موسوی و فریبا یوسفی» را در «فرهیختگان» بخوانید

۱۳، ۱۲

دکتر محمد مهدی طهرانچی در دیدار با وزیر آموزش عالی عراق مطرح کرد

گسترش فعالیت‌های علمی بین دانشگاه آزاد اسلامی و کشور عراق

۲

انقلاب در کلاس ما

آناه‌اسماعیلی نویسنده

دوربین معاون پرورشی به گردش آویزان بود و با حرارت این‌ور و آن‌ور می‌رفت و از مراحل ساخت و نصب لاله‌ها و بریده‌های روزنامه‌های سال ۵۷ که بچه‌ها به در و دیوار می‌زدند، عکس می‌گرفت. از دفتر که بیرون آمدم با صدای بلند گفت: «کسی را بعد از خودم در کلاس راه نمی‌دهم...»

معاون پرورشی گفت: «چندتا عکس دیگر بگیرم، میفرستم‌شان... امروز را ساخت بگیرم... می‌خواهم برای دهه فجر گزارش‌هایم را آماده کنم.»

درس‌مان یکی از شعرهای نو در مورد جنگ تحمیلی بود؛ همان که این‌طوری شروع می‌شود: «جنگ، جنگی نابرابر بود/ جنگ، جنگی باور فوق بود... حضور و غیاب کردم و منتظر شدم تا بقیه بچه‌ها بیایند و درس را شروع کنم. بچه‌ها وارد کلاس شدند و همین که هیاهویشان فروکش کرد و متوجه عنوان درس شدند، شروع به اعتراض کردند که «از صبح تا حالا ما بی شهید و شهادت و امام خمینی بودیم... شما دیگر دست از سر ما بردار...»

می‌خواهی گفتیم: «شما صبح تا حالا پی انقلاب بودید، من می‌خواهم ببرم‌تان پی جنگ و دفاع...»

میترا با ابروهای بالانداخته گفت: «وا... مگر فرقی هم با هم دارند؟»

یکی، دو نفر با او هم‌صدا شدند که انقلاب و جنگ فرقی دارند با هم؟! عینکم را برداشتم و گفتم: «اساتید! یعنی شما اندازه دوتا آلبوم، صبح تا حالا برای دهه فجر عکس انداختید و فرق انقلاب و جنگ تحمیلی را نمی‌دانید؟»

ملیکا با قاطعیت گفت: «خب شاه رفت، انقلاب شد، جنگ شد، بعد جنگ تمام شد و کشور جمهوری‌طور شد دیگر...»

یکی از ته کلاس گفت: «نه... فرق دارند بابا... انقلاب چه کار با جنگ یا عراق دارد؟»

گفتم: «شوخی می‌کنید یا واقعا نمی‌دانید؟»

بی آرمانی جرم است

محمدعلی بیگی دبیر گروه اندیشه

«دیدن این فیلم جرم است» ابدا کشا کشی میان آرمان و واقعیت نیست. فیلم اصلا آرمانی ندارد! گرچه ممکن است این سخن برای کسی که فیلم را دیده، عجیب و ناپذیرفتنی به نظر آید اما امید دارم که بتوانیم این سخن را در همین مطلب، قدری روشن کنیم؛ پیش از آن، «منطق داستان» را «باید» با فیلم‌های مشابه، قیاس کرد.

برای چنین مقایسه‌ای باید دقت کنیم که روایت سینما از «انسداد سیستم»، روایت «رخدادهایی استثنایی» است که تکرار آنها، یا آزمون آنها برای عموم، چندان قابل تصور نیست. غالب فیلم‌هایی که به مساله «انسداد سیستم» و «خشکی و نابینایی قانون» و امثال آن می‌پردازند، رویدادهای عام و رایجی را روایت نمی‌کنند. اما این نکته نباید باعث شود گمان کنیم که صرفا افرادی معدود و محدود با پرسوناژهای اصلی این فیلم‌ها همذات‌پنداری می‌کنند. این فیلم‌ها به دلایلی بسیار، جالب توجه بوده و بر ذهنیت اجتماعی ما اثرگذارند.

در آژانس شیشه‌ای، به‌عنوان مهم‌ترین فیلمی که «انسداد سیستم» و ناکارآمدی، خشکی و نابینایی قانون» را نشان می‌دهد، کار عباس (حبیب رضایی)، درون «سیستم رسمی و قانونی»، حل نمی‌شود بلکه عاملی دیگر لازم است تا سد سیستم را کنار بزنند و از میان میله‌های قفس قانون، گشایشی در کار ایجاد کند. گرچه عباس در انتهای فیلم شهید می‌شود اما از بین فریم‌های فیلم می‌توان دید که «یک نفر»، یک نفری مشکلات را حل خواهد کرد. اما این منطق قابل اتکا و امتداد نیست. با گسترش پیچیدگی‌ها و با ادامه فرآیند توسعه نامتوازن، مسائل، تعدد و تکثر یافته و خلل‌ها و نقص‌ها، جدی‌تر از گذشته، خودنمایی می‌کنند و دیگر این توجیه که «یک نفر، یک نفره می‌تواند مشکلات را حل کند» قابل قبول نیست ولی به فرض قبول، اثر این منطق در مواجهه با «مشکلاتی که باقی می‌مانند و بلکه تشدید نیز می‌شوند»، آن خواهد شد که «آن یک نفر، اراده، قدرت یا علم حل مسائل را ندارد!»

دیدن این فیلم جرم است

Watching This Movie is a Crime

نویسنده و کارگردان رضا زهتابچیان | تهیه‌کننده محمد رضا شفا

حوالباقی

جناب آقای مهدی باباجانزاده

در گذشت پدر بزرگوار تان را تسلیت عرض می‌کنیم. از طرف علیرضا گل بابازاده، مجتبی کامکار قربانعلی اسماعیلزاده و حمید آقاجانی

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR

@farhikhtegandaily